

تأملی در قوانین فرامادی پیشرفت بر اساس سنت‌های اجتماعی الهی

قاسم ترخان^۱

چکیده

بی‌تردید پیشرفت و پسرقت جوامع در بستر قوانین علمی و علمی اجتماعی صورت می‌پذیرد و شناخت این قوانین یا غفلت از آنها می‌تواند آثار و نتایج مثبت یا منفی در راستای حرکت به سمت آرمان‌ها پدید آورد. نوشتار حاضر، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش مهم است که: آیا افزون بر قوانین مادی، قوانین دیگری نیز در امر پیشرفت جوامع دخیل‌اند؟ اگر آری، آن قوانین کدام‌اند؟ بدین منظور با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوایی از دو جهت زیر، قوانین اجتماعی مطرح‌شده در متون دینی واکاوی شده است:

الف) به لحاظ عامل تأثیر، افزون بر عوامل مادی، عوامل چهارگانه معنوی در حصول نتیجه دخیل‌اند. این عوامل چهارگانه عبارت‌اند از عوامل غیرانسانی و عوامل انسانی که قسم اخیر خود به بینشی، منشی و کنشی تقسیم می‌شود.

ب) به لحاظ نتیجه، متون دینی از سنت‌های مطلق - که به فعل و رفتار انسان بستگی ندارد - و مشروط در دو گروه پایه و پیرو سخن می‌گویند. سنت‌های ناظر به افزایش نعمات و حرمان و کاهش نعمات، دو سنت کلان و پایه به شمار می‌آیند که به لحاظ نتایج و آثار اجتماعی در متون دینی مطرح شده‌اند.

واژگان کلیدی: سنت‌های الهی، سنن، عوامل معنوی، سنت امداد، سنت امهال، سنت استدراج.

درآمد

مفهوم پیشرفت معادل واژه توسعه (progress & Development) شمرده شده^۱ و معنای لغوی آن رفتن به جلو و ارتقا است (معین، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۹۲۵). برخی در تعریفی عام، پیشرفت را عبارت دانسته‌اند از: فرایند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب (میرمعزی، ۱۳۸۹، ص ۶۳). روشن است که وضعیت مطلوب از نگاه مکاتب مختلف متفاوت است. در نگاه اسلامی، افزون بر طولانی شدن عمر همراه با تندرستی و سلامت، افزایش سطح دانش و سطح معاش آبرومند و رفاه مادی، و نیز ارتقای معنویت از شاخص‌های مهم توسعه پایدار به‌شمار می‌آید که بدون آن پیشرفت همه‌جانبه محقق نخواهد شد.

بی‌تردید حرکت به سمت وضعیت گفته‌شده، در بستر قوانین علمی و علمی اجتماعی صورت می‌پذیرد. در ادبیات اسلامی از این قوانین اجتماعی به «سنت‌های اجتماعی» یاد می‌کنند (ر.ک: انفال (۸)، ۳۸؛ فاطر (۳۵)، ۴۳؛ غافر (۴۰)، ۸۵؛ آل عمران (۳)، ۱۳۷؛ نساء (۴)، ۲۶؛ حج (۲۲)، ۵۵؛ اسراء (۱۷)، ۷۷؛ احزاب (۳۳)، ۶۲؛ فتح (۴۸)، ۲۳؛ حجر (۱۵)، ۱۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۲۸۸-۲۹۱) که شامل دو گونه تکوینی و تشریحی (نساء (۴)، ۲۶؛ حجر (۱۵)، ۱۳) است. تأمل در آیات یادشده، این نکته را می‌رساند که کاربرد این واژه در قرآن کریم به قوانین مشروط به رفتار جوانجی و جوارحی اختصاص یافته است و بر قوانین تکوینی مطلق که تحقق آنها به رفتار انسان‌ها وابسته نیست، مانند قانون

۱. برای آگاهی از وجه برتری واژه پیشرفت بر واژه توسعه در انتقال مفهوم مدنظر اسلام (ر.ک: ترخان، ۱۳۹۳، ص ۱۶۱-۱۶۳).

هدایت جوامع بشری از سوی انبیا^۱ و آزمایش جوامع و اعضای آنها،^۲ اگرچه صبغه اجتماعی نیز دارند، اطلاق نشده است.

از آنجاکه شناخت این قوانین مشروط یا غفلت از آنها می‌تواند آثار و نتایج مثبت یا منفی در راستای حرکت به سمت آرمان‌ها برجای گذارد و از سوی دیگر، بسیاری از آن قوانین، از طریق عقل دست‌یافتنی نیست و آیات و روایات عهده‌دار بیان آنهاست،^۳ نوشتار حاضر در پی آن است که با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، قوانین منتج از عوامل معنوی را که در بستر سنت‌های الهی - اجتماعی شکل می‌گیرند، از آیات و روایات استخراج کند و آن را تحلیل نماید. براین اساس، نگارنده به این موارد نظر دارد: (۱) قسم تکوینی از سنت‌ها، نه تشریحی؛ (۲) قسمی که مشروط به رفتار جوانحی و جوارحی است، نه مطلق (چه عامل رفتار فردی باشد یا اجتماعی)؛ (۳) قسمی که نتایج و آثار دنیایی اجتماعی دارد، نه اخروی و فردی؛ (۴) آثاری که مربوط به پیشرفت است.

اگرچه برخی از اندیشمندان، مانند سید محمدباقر صدر در سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن یا محمدتقی مصباح یزدی در جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن یا توجع روحانی و محسن عرفانی در پیشرفت و تعالی از دیدگاه سنت‌های الهی متعرض بحث از سنت‌های الهی شده‌اند و نکات ارزشمندی را در جای خود مطرح کرده‌اند، آنچه نگارنده در این مقاله آورده، از جهاتی حاوی نوآوری‌هایی است که آن را از پژوهش‌های دیگر متمایز می‌کند و برخی از آنها که ساختار، طبقه‌بندی و محتوای جدید و متفاوتی را پیش روی خواننده قرار می‌دهد، بدین قرار است:

۱. هدایت گاهی بسیار عام مطرح می‌شود و آن اینکه خداوند همه موجودات را هدایت فرموده است (طه ۲۰) و زمانی محدودتر، و آن اینکه خداوند به یکایک انسان‌ها عقل داده است تا حقایق و خوب و بد را دریابند و هدایت شوند (بلد (۹۰)، ۱۰)؛ اما گاه به جنبه اجتماعی محدود می‌شود و مقصود از آن هدایت جوامع بشری از سوی انبیا (یونس (۱۰)، ۴۷؛ نحل (۱۶)، ۳۶؛ فاطر (۳۵)، ۲۴؛ فرقان (۲۵)، ۵۱؛ قصص (۲۸)، ۵۹) می‌باشد که معلول افعال و رفتار انسان‌ها نیست و از این نظر یک سنت مطلق و بی‌قید و شرط و ابتدایی است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۸-۴۲۹).
۲. این سنت نیز همه افراد و جوامع را شامل می‌شود و بسته به رفتار انسان‌ها نیست (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۳۳).
۳. اگرچه برای کشف قوانین حاکم بر هستی و جامعه باید به سراغ عقل و تجربه رفت، شناسایی برخی از این قوانین، یعنی شناخت عوامل معنوی و نتایجی که بر آنها مترتب می‌شود و موضوع نوشتار حاضر است، بدون مراجعه به آیات و روایات میسر نیست.

الف) ارائه طبقه‌بندی جدیدی از سنت‌ها بر اساس موضوع پیشرفت و تقسیم آنها به ملاک فزونی و نقصان نعمت‌ها؛

ب) طبقه‌بندی عوامل اثرگذار معنوی در امر پیشرفت در قالب عوامل انسانی و غیرانسانی، و نیز تقسیم عوامل انسانی به عوامل اعتقادی، اخلاقی و رفتاری؛
ج) نسبت‌سنجی میان عوامل گفته‌شده با پیشرفت اجتماعی به عنوان نتیجه بر اساس سنت‌های الهی.

بر اساس پژوهش حاضر، پرسش‌های زیر پاسخ درخوری خواهند یافت: جامعه پیشرفته اسلامی بر اساس کدامیک از سنت‌های الهی تحقق می‌یابد؟ نقش انسان در حرکت جامعه بشری به سوی تحول عظیم (شکل‌گیری جامعه مطلوب اسلامی یا پیشرفت همه‌جانبه) چیست؟ عوامل انسانی (بینش، منش و کنش) مؤثر در پیشرفت همه‌جانبه چه می‌باشند؟ سنت‌های الهی از نظر نتیجه به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ سنت‌های ناظر به فزونی نعمت‌های مادی و معنوی کدام‌اند؟ سنت‌های ناظر به حرمان و نقصان نعمت‌های مادی و معنوی کدام‌اند؟

افزون بر آن، روشن خواهد شد که علل طبیعی و ماورای طبیعی، هم‌زمان در پیشرفت همه‌جانبه اثرگذارند. از این نظر، دیدگاه‌هایی که یا از اساس علل معنوی را انکار می‌کنند و تمام اموری را که در ظاهر از امور ماورای طبیعی هستند، تأویل می‌برند و توجیه مادی می‌نمایند (نفی مطلق) یا علل معنوی را انکار نمی‌کنند، ولی نتایج آنها را با این مبنا که زبان آیات و روایات تاریخ‌مند یا به نحو استعاره و کنایه است، انکار می‌نمایند یا تأثیر این امور را بسیار محدود و در شرایط خاص می‌دانند و بر این باورند که بر اساس عقلانیت مدرن، علل غیبی و معنوی را باید به حاشیه زندگی راند و نباید آنها در متن آن قرار داد، قابل دفاع نخواهند بود.

در هر حال، پیش از ورود به محور اصلی مقاله، لازم است نکاتی مورد توجه قرار گیرد که بدان می‌پردازیم.

شکل‌گیری جامعه مطلوب و نقش انسان در آن

اگرچه حصول پیشرفت همه‌جانبه، تابع قواعد و قوانین خاصی است که تبیین قوانین مشروط آن برعهده نوشتار حاضر است، باید توجه داشت که این همه ضمن سنت مطلقاً تحقق می‌پذیرد که رقابت‌پذیر است. توضیح اینکه، بر اساس الگوهای سکولار، جامعه از سه بعد

انسان، طبیعت و رابطه (رابطه انسان با طبیعت و انسان با انسان) برخوردار است و با ارتقا و بهبودی این ابعاد سه‌گانه، پیشرفت اجتماعی حاصل می‌شود؛ ولی قرآن بعد چهارمی را که از آن به بعد جانشینی و امانت‌داری تعبیر می‌شود (ر.ک: بقره (۲)، ۳۰؛ احزاب (۳۳)، ۷۲؛ روم (۳۰)، ۳۰) به آن ابعاد افزوده^۱ که در موجودیت انسان و مسیر طبیعی و تاریخی او نهاده شده است و از این نظر، باید آن را قانونی تکوینی به شمار آورد؛ بدین معنا که همه پیشرفت‌ها و پویاها - حتی حرکت گروه‌ها و جوامعی که دست به دامان الگوهای منحنی و پست و خدایان ساختگی و سطح پایین می‌شوند - حرکت به سوی خداوند است^۲ - البته با حفظ فرق میان پیشرفت مسئولانه و پیشرفت غیرمسئولانه - و خداوند به دلیل مطلق بودنش، هم در پایان مسیر و هم در طول مسیر حضور دارد؛ اما انسان چه نقشی در این میان دارد؟ پاسخ آن است که اگرچه شکل‌گیری جامعه مطلوب (پیشرفته در همه ابعاد) یکی از قوانین مطلق است که به رفتار انسان‌ها وابسته نیست، اما به صورت محدود رقابت‌پذیر است و انسان‌ها

۱. قرآن می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتُجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره (۲)، ۳۰). در این آیه نقش انسان در صحنه زندگی (در ارتباط انسان با طبیعت یا انسان‌های دیگر) فقط نقش جانشینی است. قرآن همچنین در آیه دیگری انسان را امانت‌دار معرفی می‌کند: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (احزاب (۳۳)، ۷۲). بی‌گمان مقصود از پذیرش امانت در این آیه، همان پذیرش جانشینی است؛ اما اولاً، باید توجه کرد که این عرضه و درخواست و همچنین پذیرش انسان، امری فطری و تکوینی بوده است، نه تکلیفی؛ به قرینه اینکه این امانت افزون بر انسان، بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها نیز عرضه شده بود و روشن است که امر و تکلیف بر اینان معنا ندارد. براین‌اساس، بعد جانشینی، در موجودیت انسان و مسیر طبیعی و تاریخی انسان نهاده شده است و باید آن را به عنوان یک قانون تکوینی به شمار آورد. ثانیاً، تعبیر ﴿إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ از توان انسان در عدم پذیرش این نقش و موضع‌گیری منفی وی در برابر آن حکایت دارد؛ یعنی این قانون تکوینی از قوانینی است که می‌تواند رقابت محدود را پذیرا باشد. این تعبیر، درست موازی تعبیر ﴿وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ در آیه‌ای است که دین را فطری می‌داند: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (روم (۳۰)، ۳۰). پس دین نیز در آفرینش و تکوین ریشه دارد و به صورت محدود رقابت‌پذیر است؛ یعنی در هیچ برهه‌ای از تاریخ، این دین فطری از انسان جدا نشده است؛ اگرچه در برهه‌هایی عده‌ای از انسان‌ها توانسته‌اند در مقابل دین بایستند. از این رو، شهید صدر معتقد است آیه خلافت و فطری بودن دین از حیث مفاد، با همدیگر تطابق دارند؛ زیرا قیم بودن دین، همان تعبیر اجمالی از رابطه اجتماعی چهار بعدی است که در دو آیه ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ و ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ﴾ مطرح شده است؛ یعنی دین قانون زندگی و تاریخ است و رابطه اجتماعی چهاربعدی را که خدا در آن به عنوان بعد چهارم است، نمایان می‌سازد (ر.ک: صدر، ۱۳۶۹، ص ۱۶۵-۱۷).

۲. قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ (انشقاق (۸۴)، ۶).

می‌توانند زیر بار آن نروند و در کم و کیف این حرکت تغییر ایجاد کنند. انسان مرکز ثقل حرکت تاریخ است و روشن است که محتوای درونی انسان، و نه اندام فیزیکی اوست که مرکز ثقل حرکت تاریخ را تشکیل می‌دهد. محتوای داخلی انسان نیز عبارت است از آرمان‌نهایی یا الگوی والایی که می‌سازد؛ چراکه این، همان الگوست که مقاصد و اهداف از آن می‌شکفتد و مقاصد و اهداف، انگیزه‌های همه فعالیت‌ها در صحنه تاریخ را می‌سازند. پس ساختن و پرداختن الگوی والا، در واقع شالوده محتوای درونی انسان است و نقش بعد چهارم از ابعاد چهارگانه رابطه اجتماعی از همین جا مشخص می‌شود. بر اساس این الگو، مسیر حرکت نامتناهی است و زمینه تحول و نوآوری و رشد به طور دایم و همیشگی باقی بوده، باب آن بی هیچ وقفه‌ای به روی انسان گشوده خواهد بود (تغییر کمی). افزون بر آن، به دلیل وجود مقام بالاتر، در شخص احساس مسئولیت عمیقی درباره وی ایجاد می‌شود (تغییر کیفی) و همین احساس مسئولیت، تنها راه حل تناقض و جدالی است که در سرشت و نهاد و ترکیب انسان نهفته است و شرط اساسی و اصلی برای موفقیت در این حرکت به شمار می‌آید (برای توضیح بیشتر، ر.ک: صدر، ۱۳۶۹، ص ۲۱۶-۲۴۲). با توجه به مسائل یادشده، ضروری است انسان‌ها خود را در مسیر حرکت پیش‌گفته قرار دهند و با آگاهی از آن قوانین و سنت‌ها، پیشرفت یا حرکت به سمت آرمان‌ها را تسریع بخشند.

طبقه‌بندی قوانین بر اساس عامل و نتیجه

قوانین مشروط دو رکن دارند: عامل تأثیرگذار و نتیجه. بررسی و بحث از این قوانین می‌تواند دو گونه باشد: الف) نتایج طبقه‌بندی‌شده و ذیل آن عوامل منتج به نتیجه تبیین شوند. ب) عوامل بر اساس منطق مناسبی دسته‌بندی گردند و ذیل آن نتایج هر یک از عوامل فهرست شوند. در این نوشتار کوشیده‌ایم با تلفیقی از دو رویکرد یادشده (طبقه‌بندی نتایج و عوامل)، متون اسلامی را بررسی و حاصل پژوهش را در قالب نقش عوامل معنوی^۱ انسانی^۲ در سه گروه عوامل بینشی، منشی و رفتاری عرضه کنیم. این

۱. اسباب تأثیرگذار در جهان به اسباب مادی اختصاص ندارند و برای عوامل مادی، امور دیگری نیز در جهان و زندگی انسان تأثیرگذارند که با استفاده از آزمایشگاه‌های علوم طبیعی قابل تبیین تجربی و حسی نیست؛ اگرچه بر این باور باشیم که تأثیر این عوامل بر جهان طبیعت بر اساس استخدام علل طبیعی و از طریق آنهاست. از این عوامل در سخن برخی از بزرگان به «عوامل معنوی» تعبیر شده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۹۹-۴۱۰).
 ۲. متون دینی از عوامل غیرانسانی تأثیرگذار بر جهان طبیعت و پدیده‌های اجتماعی، مانند فرشتگان، جنیان و شیاطین یاد می‌کنند که این نوشتار به آنها نمی‌پردازد.

عوامل به صورت طولی بر یکدیگر مرتب‌اند؛ یعنی اندیشه و اعتقاد مبنای حالات و صفات هستند و حالات و صفات اساس رفتارها به شمار می‌آیند.

چگونگی دستیابی به عوامل سه‌گانه فوق، اگرچه در جای خود مهم است؛ زیرا یکی از شرایط حصول پیشرفت اجتماعی، ارتقای همین عوامل است، اما این بحث باید در پژوهش دیگری دنبال شود. در این نوشتار کوشیده‌ایم تأثیر این عوامل را بر یکدیگر و سایر ابعاد جامعه تحلیل و نمونه‌هایی از آن را ذکر کنیم.

همچنین پیشرفت جامعه در ابعاد چهارگانه پیش‌گفته، به عنوان نتیجه‌ای که بر اساس قوانین مشروط حاصل می‌شود، در قالب دو سنت کلان فزونی نعمت یا کاهش نعمت قابل طبقه‌بندی است.^۱ اگرچه برخی از قوانین ناظر به فزونی یا کاهش نعمت، به رابطه انسان با طبیعت نظر دارد و چنین چیزی الزاماً به معنای حصول پیشرفت یا پسرفت اجتماعی نیست، اما اولاً، این قوانین به بعد پیش‌گفته اختصاصی ندارند و ابعاد دیگر جامعه را نیز شامل می‌شوند. برای نمونه، فزونی نعمت معنوی مانند افزایش نعمت هدایت، ناظر به بعد انسان و بعد چهارم از ابعاد جامعه است. ثانیاً، در خدمت قرار گرفتن طبیعت و حصول پیشرفت مادی، خود بخشی از مجموعه اتفاقاتی است که باید در جامعه پدید آید تا پیشرفت اجتماعی حاصل شود. ثالثاً، خواننده در ادامه این نوشتار مشاهده خواهد کرد که تأکید نگارنده بر تأثیر عوامل معنوی بر این بعد از ابعاد پیشرفت اجتماعی است که بسیار محتمل است در تدوین الگوی اسلامی پیشرفت و برنامه‌ریزی‌ها مورد غفلت قرار گیرد.

متون دینی و گونه‌شناسی طرح تشکیکی عوامل و نتایج

از نکات جالب توجه در این زمینه آن است که متون دینی، عوامل و نتایج را در سطوح مختلفی طرح کرده است. برای نمونه در حوزه عوامل، گاه از نقش انسان در جهان طبیعت و جوامع انسانی سخن رفته است (سطح اول) و مثلاً بیان می‌کند که بدون امام یا مؤمن واقعی (شیعه)، زمین از بین می‌رود و از صدقه‌سر این افراد است که به مردم روزی داده می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹۹؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۲۵؛ کلینی،

۱. به بیانی دیگر، منطبق طبقه‌بندی در این قسمت، بر اساس فزونی و کاهش نعمت‌ها خواهد بود که با مسئله پیشرفت هماهنگ است.

۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۴۷). زمانی نیز به صورت کلی به عوامل سه‌گانه بالا اشاره نمی‌کند و از تأثیر آن سخن می‌راند (سطح دوم) و مثلاً تقوا به عنوان عامل تأثیرگذار دانسته می‌شود (اعراف (۷)، ۳۹؛ طلاق (۶۵)، ۲-۳؛ مائده (۵)، ۶۵-۶۶) که به صورت کلی سه عامل پیشین را دربردارد؛ زیرا تقوا گستره عامی دارد و شامل هر سه حوزه بینش، منش و کنش می‌شود. البته باید توجه داشت که در برخی از آیات، مانند آیه ۹۶ سوره اعراف،^۱ آثار ناظر به برخی از ابعاد پیشرفت اجتماعی بر ایمان و تقوای جمعیت‌ها بار شده است، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۹۵-۲۰۲). گاهی نیز وارد جزئیات می‌شود و مصادیق عوامل اثرگذار را مطرح می‌کند (سطح سوم) که در این نوشتار بدان اشاره خواهیم کرد.

در حوزه نتایج نیز با سطوحی از آن در متون دینی مواجه هستیم که به صورت تشکیکی از کلی به جزئی درصدد تبیین آنهاست و مثلاً گاه به نزول بلا به عنوان نتیجه اشاره می‌کند و زمانی بیان می‌دارد که آن بلا، بلای فقر یا قحطی و ... است.

طبقه‌بندی قوانین فرامادی بر اساس سنت‌های اجتماعی الهی

گفتیم که افزون بر قوانین مادی، متون دینی از قوانینی پرده برمی‌دارند که در قالب شرط^۲ و جزا بیان شده است. شرط در این‌گونه از قوانین، از سنخ عوامل مادی نیست و جزای آن، همان پیشرفت جوامع است که به طور طبیعی با تغییر شرایط، مشروط نیز محقق نخواهد شد. این قوانین مشروط را می‌توان در دو گروه پایه و پیرو دسته‌بندی کرد. سنت‌های پیرو به سنت‌هایی اطلاق شده است که تحت سنت پایه گنجانده می‌شوند.

سنن ناظر به فزونی نعمت‌ها (سنت پایه)

فزونی و زیادتی نعمت‌های الهی، از جمله سنت‌های پایه به شمار می‌آید که شامل حرکت‌کنندگان در مسیر حق و باطل می‌شود. البته باید توجه داشت که اولاً، افزایش نعمت‌ها برای گروه اول، به نعمت‌های مادی اختصاص ندارد و نعمت‌های معنوی را نیز شامل می‌شود؛ چنان‌که قرآن کریم شکر نعمت را موجب فزونی نعمت‌های مادی و معنوی می‌داند: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم (۱۴)، ۷).

۱. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».

۲. همان‌گونه که پیش از این بیان شد، شرایط تأثیرگذار می‌توانند از سنخ اندیشه، اخلاق و رفتار باشند.

ثانیاً، آن گونه که توضیح آن خواهد آمد، افزایش نعمت‌های مادی برای گروه اول به منظور افزایش عذاب آنان نیست. برخی از سنت‌های پیرو سنت یادشده و قوانین مندرج تحت آن عبارت‌اند از:

سنت زیادتی نعمت‌های معنوی

بی‌گمان یکی از شرایط اساسی تحقق پیشرفت همه‌جانبه، ارتقای نعمت‌های معنوی است. روشن است که این نتیجه به بعد انسان و ارتباط وی با طبیعت و انسان‌های دیگر و نیز بعد چهارم از ابعاد چهارگانه جامعه مرتبط است. آیاتی از قرآن کریم بر این امر دلالت دارند که در پرتو عمل صالح، برکات و نعمت‌های معنوی افزایش خواهد یافت. برای نمونه، در سطح دوم از سطوح سه‌گانه، از نقش تقوا در بصیرت و روشن‌بینی (توانایی تمییز و تشخیص میان حق و باطل و در نهایت رشد بعد عقلانی انسان) (انفال، (۸)، ۲۹) یا عمل صالح در ایجاد روحیه عزتمندی و بالطبع افزایش آن در جامعه که شرط اساسی و لازمه پیشرفت همه‌جانبه است (فاطر (۳۵)، ۱۰) یاد شده است. همچنین در سطح سوم:

الف) از نقش و تأثیر اندیشه و اعتقاد بر ابعاد چهارگانه جامعه سخن رفته است. برای نمونه، ایمان که معجونی از علم و تصدیق قلبی است،^۱ نقشی اساسی در افزایش نعمت‌های معنوی دارد و نعمت‌هایی چون تحبیب و تزئین ایمان، تنفر از کفر و عصیان (حجرات (۴۹)، ۷) و همچنین افزایش هدایت انسان (یونس (۱۰)، ۹؛ محمد (۴۷)، ۱۷؛ مریم (۱۹)، ۷۶) از آثار آن به شمار می‌آید. نیز پیشرفت جوامع در گرو انسجام و وحدت است و چنین رابطه‌ای، تنها در پرتو جامعه توحیدی و مؤمنانه دست‌یافتنی است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۱۷). دلیل ما این است که از سویی، مدیران اصلی جوامع شرک‌آلود به دلیل عدم آگاهی از تمام ابعاد و زوایای کلیت نظام اجتماعی و نیز اعضای

۱. اگرچه در ایمان علم و آگاهی وجود دارد، اما مساوی با آن نیست. شاهد این سخن آن است که در برخی از آیات مانند: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا» یا «جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفْرًا بِهِ» معرفت با کفر جمع شده است. بنابراین، ایمان چیزی افزون بر آن دارد و آمیزه‌ای است از شناخت همراه با نوعی تصدیق قلبی. به بیانی دیگر، ایمان نوعی تصدیق قلبی و همراه با تعلق درونی به موضوع است. برای تحقق ایمان، درجه‌ای از رسوخ و استقرار عقیده در قلب لازم است. عمل خارجی و اظهار زبانی نیز از لوازم ایمان است که در برخی از مراتب ایمان ظاهر می‌شود و جزء ماهیت ایمان نیست. البته نبود عمل صالح می‌تواند کاشف از فقدان ایمان یا درجه‌ای از آن باشد.

تشکیل دهنده، در جهان‌بینی‌ها متفاوت هستند و این تفاوت در جهان‌بینی‌ها، به تفاوت در ایدئولوژی‌ها می‌انجامد^۱ و همین سبب می‌شود جامعه از ثبات برخوردار نباشد و پیوسته جهت، مسیر، سرعت و ... خود را تغییر دهد. از سوی دیگر، قانونمندی‌ها در جوامع شرک‌آلود به دلیل عدم ابتنا بر فطرت توحیدی^۲، بر اساس سرشت مشترک انسانی و جوامع نبوده (همان، ج ۲، ص ۳۵۹)، با تشتت مواجه‌اند و بالطبع حرکت این‌گونه از جوامع، حرکتی قسری خواهد بود که پیشرفت واقعی را دست‌نیافتنی می‌نمایاند یا با کندی مواجه می‌سازد.

ب) به تأثیر اخلاق و منش^۳ بر ابعاد چهارگانه جامعه و نقش صفات و روحیات نفسانی در پیشرفت اجتماعی اشاره شده است. برای نمونه، اخلاص موجب می‌شود خداوند اصلاح و تربیت انسان و امور معنوی و مادی وی را خود برعهده بگیرد (جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۹۲). همچنین سخاوتمندی به محبت و صفای اجتماعی می‌انجامد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۷۸) که از شرایط اساسی پیشرفت است.

ج) برای رفتارهای صالح، نقش بسزایی در ابعاد چهارگانه قایل شده است. این عوامل را می‌توان در قالب دو دسته (اعمال صالح فروعاً دینی و غیرفروعاً دینی) تقسیم‌بندی کرد. بدون شک تأثیر این‌گونه از عوامل، مانند نماز، روزه، حج و ... و نیز دعا، ذکر خدا، تلاوت قرآن، استغفار و ... بر افزایش نعمت‌های معنوی، مانند هدایت باطنی و تقرب الی‌الله نیازی به ذکر ندارد و مهم آن است که نشان داده شود این عوامل در پیشرفت مادی نیز اثرگذار هستند. به این بحث در آینده خواهیم پرداخت.

سنت افزایش نعمت‌های مادی

همان‌گونه که پیش از این نیز بیان کردیم، آیاتی از قرآن کریم بر این امر دلالت دارند که ایمان و رفتار بر اساس تقوا، به افزایش نعمت‌های مادی می‌انجامد و به صورت مشخص،

۱. نگارنده به ابتدای ایدئولوژی بر جهان‌بینی در کتاب درآمدی بر مبانی کلامی علم دینی پرداخته است و خواننده گرامی را بدانجا ارجاع می‌دهد.

۲. نگارنده به این بحث در ترخان، «فطرت از نگاه علامه طباطبایی و براینند آن در علوم انسانی»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، دوره ۲۱، شماره ۷۰، بهار ۱۳۹۶، ص ۸۱-۱۰۴، پرداخته است.

۳. مقصود از اخلاق و منش در این نوشتار، صفات و حالات نفسانی است که از آنها در برابر افعال جوارحی، به افعال جوانحی نیز تعبیر می‌شود.

عبادت نکردن غیر خدا و استغفار و توبه، به بهره‌مندی از متاع و نعمت‌های دنیا خواهد انجامید (هود (۱۱)، ۲-۳؛ جن (۷۲)، ۱۶)؛ اما ناظر به سطح سوم از سطوح سه‌گانه پیشین باید گفت:

الف) تأثیر اندیشه و اعتقاد بر ابعاد چهارگانه جامعه: قرآن کریم از نقش ایمان در پیشرفت مادی پرده برمی‌دارد (اعراف (۷)، ۳۹؛ طلاق (۶۵)، ۲-۳؛ مائده (۵)، ۶۵-۶۶؛ غافر (۴۰)، ۵۱). در اینجا می‌توان از این استدلال بهره برد که در جوامع معتقد به معاد و روز قیامت، میزان پرداخت مالیات، افزایش و مفاسد اقتصادی کاهش می‌یابد. همچنین امنیت سرمایه‌گذاری و مشارکت مردم در کارهای عام‌المنفعه و خیریه افزایش می‌یابد؛ یعنی بر اساس آموزه‌های دینی، نپرداختن مالیات، دزدی از مردم تلقی می‌شود و باور به معاد سبب می‌شود تلاشی برای فرار مالیاتی صورت نگیرد. همچنین باور به قیامت موجب کاهش مفاسد اقتصادی مانند ربا، اختلاس، رشوه و ... خواهد شد. با کاهش مفاسد اقتصادی، مالکیت‌ها محترم شمرده می‌شود و این مسئله امنیت سرمایه‌گذاری را به دنبال دارد. افزون بر این، مشارکت مردمی در کارهای عام‌المنفعه و خیریه به دلیل باورهای سه‌گانه پیش‌گفته افزایش می‌یابد و پیشرفت اقتصادی حاصل می‌شود.

ب) تأثیر اخلاق و منش بر ابعاد چهارگانه جامعه: متون دینی از تأثیر صفات و روحیات نفسانی در افزایش نعمت‌های مادی خبر داده است. برای نمونه، سخاوتمندی به ازدیاد رزق می‌انجامد که از شرایط پیشرفت توسعه در بعد ارتباط انسان با طبیعت است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۷۸). انسان مخلص در امور دنیای خود از پشتیبانی خداوند برخوردار خواهد شد (همان، ص ۱۹۸) و انسان متوکل با کفایت الهی از دیگران بی‌نیاز خواهد گردید (همان، ص ۱۹۶ و ۱۹۷).

نقش باور توحیدی توکل در پیشرفت اقتصادی را می‌توان این‌گونه مبرهن کرد که وقتی توکل جامعه‌ای بالا باشد، قاعدتاً پس‌انداز به لحاظ اقتصادی کاهش و از سوی دیگر، ریسک‌پذیری اقتصادی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، جامعه‌ای که مردمش متوکل‌اند، خطرهای اقتصادی را راحت‌تر می‌پذیرند و همین افزایش فعالیت، توسعه و پیشرفت اقتصادی را سبب می‌شود. به دنبال افزایش فعالیت اقتصادی و درآمدها، افراد متوکل، آمادگی بیشتری برای این دارند که بخشی از درآمدهایشان را در اختیار افراد نیازمند قرار دهند؛ یعنی کمک‌های خیریه گسترش می‌یابد و این مسئله به زوال فقر و

گسترش عدالت^۱ خواهد انجامید.

همچنین در جامعه‌ای که مفهوم صحیح زهد، محقق شده است، شرکت حداکثری در فعالیت اقتصادی، کاهش میزان مصرف‌گرایی و افزایش مقدار کمک‌های بلاعوض^۲ و در نتیجه، رشد شاخص‌های پیشرفت مادی را به دنبال دارد.

ج) تأثیر رفتارهای صالح بر ابعاد چهارگانه جامعه: متون دینی از نقش اعمال صالح، اعم از فروع دینی و غیر آن بر چهارگانه ابعاد پیشرفت اجتماعی سخن گفته‌اند که دسته‌بندی و تحلیل آنها، خود مقاله مستقلی می‌طلبد و در اینجا به دلیل رعایت اختصار به بیان نمونه‌ای از آن بسنده می‌کنیم که مورد تأکید این نوشتار است و آن اینکه متون دینی به فراوانی از نقش رفتارهای صالح بر جهان طبیعت به عنوان بعدی از ابعاد پیشرفت اشاره کرده‌اند که ضروری است در تدوین الگو لحاظ شود. مثلاً نماز موجب برکت در مال و سعه در رزق (شعیری، بی‌تا، ص ۷۳) و نماز شب باعث نیکو شدن صورت و حسن خلق و سرازیر شدن رزق و روزی و... می‌شود (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق، ص ۴۲). زکات نقشی اساسی در افزایش رزق و روزی (روم (۳۰)، ۳۹؛ شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۱۲) و باران (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۳۷۳) دارد. حج سبب صحت بدن و وسعت رزق می‌گردد (همان، ج ۴، ص ۲۵۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۶۴). جهاد (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۲) و همچنین امر به معروف و نهی از منکر (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ص ۱۱۹) از نزول بلا جلوگیری می‌کنند و ترک آنها از جمله عوامل سوء معیشت و فقر دانسته شده است. قرض الحسنه (بقره (۲)، ۲۴۵ و ۲۶۱؛ حدید (۵۷)، ۱۱ و ۱۸؛ تغابن

۱. عدالت اقتصادی مدنظر اسلام از دو شاخص برخوردار است: اولاً، همه آحاد جامعه از حداقل امکانات متعارف برخوردار باشند که در اصطلاح به آن «رفع فقر» می‌گوییم. ثانیاً، فاصله میان طبقات مرفه و فقیر، فاصله قابل تحملی باشد که در اصطلاح به آن «تعديل ثروت» می‌گوییم و این دو مسئله، شاخصه‌های اصلی عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام است.

۲. معنای صحیح زهد آن است که در فعالیت اقتصادی، حداکثری و در بهره‌برداری شخصی، حداقلی عمل شود. همه مردم حضرت علی را زاهد می‌دانند. آن حضرت در فعالیت اقتصادی مانند حفر چاه، شرکت حداکثری داشت، ولی آنها را وقف عام می‌کرد و بنابراین، میزان مصرف‌گرایی پایین می‌آمد؛ برخلاف فرهنگ غربی که افزایش مصرف‌گرایی را شاخص پیشرفت می‌داند. انسان آنگاه که به فکر مصرف خود نباشد و به دیگران فکر کند، میزان کمک‌های بلاعوض افزایش خواهد یافت و اسباب پیشرفت اقتصادی فراهم می‌شود.

(۶۴، ۱۷) و انفاق (بقره (۲)، ۲۶۵ و ۲۷۶؛ سبأ (۳۴)، ۳۹؛ آل عمران (۳)، ۹۲ و ۱۸۰) از عوامل افزایش درآمد و روزی شمرده شده‌اند. ازدواج از عوامل توسعه رزق و نجات از فقر (نور (۲۴)، ۳۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳) است و راست‌گویی تأثیر مستقیمی در جلب رزق و روزی دارد (مائده (۵)، ۶۳؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۳۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۸۲). شکر نعمت از اسباب دیگر اثرگذار در امور طبیعت و پدیده‌های اجتماعی است و به افزونی نعمت می‌انجامد (ابراهیم (۱۴)، ۷؛ نحل (۱۶)، ۱۱۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲۲؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۳). استغفار از جمله عواملی است که خداوند بارها در قرآن از نقش آن در افزایش باران و گشودن باب نعمت‌های مادی سخن گفته است (هود (۱۱)، ۵۲؛ نوح (۷۱)، ۱۰-۱۲). دعا نقش مهمی در جهان طبیعت و جامعه دارد و وسیله‌ای برای نزول رزق و دفع‌کننده پیشامدهای ناگوار است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۶۸، ج ۴، ص ۳۰۹؛ مطهری، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۰۶). استقامت در راه خدا مصادیق فراوانی دارد؛ از آن جمله است عدالت در توزیع که از عوامل وفور نعمت به شمار می‌آید (جن (۷۲)، ۱۶). ذکر خدا (طه (۲۰)، ۱۲۴؛ تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۹۷)، تسبیح خدا (صافات (۳۷)، ص ۱۴۳-۱۴۴؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷) تلاوت قرآن (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۳۶). کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۱۹)، توسل (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۳۳)، زیارت (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۷۸) و ... در حوادث طبیعت و جوامع انسانی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

افزایش نعمت‌های مادی بر اساس سنت املاء و استدراج

آنچه تاکنون گفتیم، ممکن است این پرسش را برای خواننده محترم پدید آورد که: در جوامع توسعه‌یافته، گناهان و ظلم‌های فراوانی انجام می‌شود، اما این گناهان آنان را از نعمت‌های الهی محروم نکرده است و روز به روز بر نعمت‌ها و توانایی‌های ایشان افزوده می‌شود. از این رو، چرا خداوند نعمت‌های دنیوی را از آنان سلب نکرده یا به آنان نعمت بیشتری داده است؟ در پاسخ باید گفت از سنت‌های الهی، سنت املاء و استدراج است؛ به این معنا که خداوند بر نعمت‌های مادی و دنیوی اهل باطل و گناهکاران نیز می‌افزاید (انعام (۶)، ۴۴ و ۴۵؛ اعراف (۷)، ۹۵ و ۱۸۲-۱۸۳؛ قلم (۶۸)، ۴۴-۴۵؛ آل عمران (۳)، ۱۷۸؛ توبه (۹)، ۵۵)، اما این افزایش نه به آن دلیل است که خداوند اینان را دوست دارد

و نزدش احترام دارند؛ بلکه حقیقت آن است که خداوند مال و فرزند بیشتری به آنان می‌دهد تا فریفته شوند و در طغیان بیشتری فرو روند و عذاب بالاتری را دریافت کنند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۳۹، ج ۸، ص ۱۹۵-۱۹۶). از این نظر می‌توان این سنت را از مصادیق سنت زیادت ضلالت - که در ادامه بدان خواهیم پرداخت - نیز به شمار آورد.

سنت امهال

سنت دیگری که قرآن از آن خبر می‌دهد (نحل (۱۶)، ۶۱؛ فاطر (۳۵)، ۴۵؛ روم (۳۰)، ۴۱؛ شوری (۴۲)، ۳۰) سنت امهال است که در خصوص اهل باطل یا در مقابل کارهای باطل وجود دارد و به نوعی می‌توان آن را در شمار نعمت‌های الهی دانست. امهال بدان معناست که خداوند متعال افراد یا جوامعی را که مرتکب خطا و گناه شده و می‌شوند، به سرعت عذاب نمی‌کند و به آنها مهلت می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۵۰). این مهلت دادن بدان سبب است که شاید زمینه هدایت افراد و جوامع فراهم آید و آنان در طول این مدت امتحان نیز بشوند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱).

سنت پیروزی مؤمنان بر دشمنان

پیروزی بر دشمنان و حمایت از پیامبران و پیروان آنها در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف، از جمله سنت‌های پیرو است که به گونه‌های مختلف در متون دینی از آن یاد شده است. برای نمونه با نگاهی به قرآن کریم، می‌توان از هفت دسته آیات نام برد^۱ که بر پیروزی

۱. آیت‌الله مصباح یزدی این آیات را بر سیاق زیر دسته‌بندی کرده است:

(۱) آیاتی که بر پیروزی حق بر باطل دلالت دارند (انفال (۸)، ۷-۸؛ بنی‌اسرائیل (۱۷)، ۸۱؛ انبیاء (۲۱)، ۱۸؛ سبأ (۳۴)، ۴۸-۴۹؛ شوری (۴۲)، ۲۴).

(۲) آیاتی که دال بر پیروزی پیامبران (مجادله (۴۲)، ۲۱)، فرمانبران و پیروان آنها (مائدہ (۵)، ۵۶؛ صافات (۳۷)، ۱۷۳؛ روم (۳۰)، ۴۷) است. خداوند در این گروه از آیات رهایی و نجات مؤمنان (یونس (۱۰)، ۱۰۳) را ضمانت می‌کند و در پاره‌ای دیگر از آیات، در قالب شرط و جزاء، یاری و نصرت خود را شامل کسانی می‌داند که خداوند را یاری کرده باشند (حج (۲۲)، ۴۰؛ محمد (۴۷)، ۷). همچنین در برخی دیگر از آیات (غافر (۴۰)، ۵۱) تصریح شده است که این نصرت به آخرت اختصاص ندارد و شامل نصرت، غلبه و فتح دنیوی نیز می‌شود.

۳. آیاتی که مصادیقی از کمک خدا به انبیا و مومنان را بیان می‌کنند، دو دسته‌اند: الف) درباره انبیای سابق و پیروان آنها (اعراف (۷)، ۶۴ و ۷۲ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۳ و ۸۴ و ۹۱-۹۳ و ۱۶۵؛ یونس (۱۰)، ۷۳؛ هود (۱۱)، ۵۸ و ۶۶ و ۹۴؛ یوسف

اهل حق بر اهل باطل دلالت دارند.

سنت‌های ناظر به حرمان و نقصان نعمت‌ها (سنت پایه)

این قوانین اگرچه به طور غالب در حق آنانی که از اهل باطل هستند یا مرتکب رفتار سوء می‌شوند، در جهت تنبیه یا به دلیل غوطه‌ور شدن آنان در گمراهی، جریان دارد، اما برخی از آنها برای انسان‌هایی که در مسیر حق قرار دارند نیز جاری می‌شود؛ مانند اینکه بلا و گرفتاری مؤمنان را احاطه می‌کند؛ منتها باید توجه داشت که این کاهش ناظر به نعمت‌های مادی است، نه معنوی و در جهت امتحان یا ارتقای درجه است.

با مرور متون دینی می‌توان سنت‌های پیرو این سنت الهی را در موارد زیر قرار داد:

سنت حرمان از نعمت‌های معنوی و زیادت در گمراهی

همان گونه که روندگان در مسیر حق، از نعمت‌های معنوی بهره‌مند خواهند بود، اهل باطل و گناهکاران از این نعمت‌ها بی‌بهره‌اند. از منظر متون دینی:

الف) رفتار سوء به تکذیب آیات الهی و کفر می‌انجامد (تأثیر رفتار در اندیشه) و نور هدایت را در وجود شخص یا جامعه خاموش می‌کند (روم (۳۰)، ۱۰).

ب) آنانی که در مسیر گمراهی گام برمی‌دارند، از دایره شمول محبت هدایت خداوند خارج خواهند شد و همین امر سبب می‌شود پیوسته در گمراهی پیشروی کنند و بیش از پیش غرق شوند و به گمراهی آنها افزوده شود (سنت زیادت ضلالت و گمراهی) (صف (۶۱)، ۵). بی‌گمان بهره‌نبردن از نعمت هدایت الهی و غوطه‌ور شدن در گمراهی و



- (۱۲)، ۱۱۰؛ انبیاء (۲۱)، ۹ و ۷۱ و ۷۴ و ۷۵ و ۸۸؛ شعراء (۳۶)، ۶۵ و ۱۱۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱؛ نمل (۲۷)، ۵۳ و ۵۷؛ عنکبوت (۲۹)، ۱۵ و ۲۴ و ۳۲؛ صافات (۳۷)، ۷۶ و ۱۱۴-۱۱۶ و ۱۳۴-۱۳۵؛ فصلت (۴۱)، ۱۸؛ قمر (۵۴)، ۳۴؛ ب) ناظر به پیامبر اسلام ﷺ و امت مسلمان (توبه (۹)، ۲۵؛ فتح (۴۸)، ۱۹ و ۱۸).
- (۴) آیاتی که اهل حق را وعده خیر دنیا و آخرت می‌دهد (آل‌عمران (۳)، ۱۳۲ و ۱۸۶؛ فصلت (۴۱)، ۳۰-۳۱؛ نحل (۱۶)، ۴۱-۴۲؛ نساء (۴)، ۵۹).
- (۵) آیاتی که به اهل حق وعده پیروزی در همین دنیا می‌دهد (آل‌عمران (۳)، ۱۳۹؛ حج (۲۲)، ۳۸-۴۱؛ نور (۲۴)، ۵۵-۵۶؛ قصص (۲۸)، ۵-۶).
- (۶) آیاتی که بر تعلق اراده الهی به غلبه و جهانگیری دین حق، یعنی اسلام دلالت دارد (فتح (۴۸)، ۲۸؛ صف (۶۱)، ۸ و ۹؛ توبه (۹)، ۳۲ و ۳۳).
- (۷) آیاتی که اهل حق را وارثان زمین می‌داند (اعراف (۷)، ۱۲۸؛ انبیاء (۲۱)، ۱۰۵) (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۳۹-۴۴۷).

افزایش آن، به معنای نادیده گرفتن سنت اختیار و اراده انسان نیست و منافاتی با آن ندارد (برای توضیح بیشتر، ر.ک: طباطبایی ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۸۵).

ج) از جمله سنت‌هایی که خود زمینه کاهش بهره‌مندی از نعمت‌های معنوی را در همین دنیا و زندگی روزمره انسان‌ها فراهم می‌سازد، سنت زیباسازی گناهان است (ر.ک: همان، ج ۱۲، ص ۱۶۴). این سنت که در آیات متعددی از قرآن کریم، از جمله آیه ۳۹ سوره حجر^۱ به آن اشاره شده، به آن معناست که با گزینش مسیر نادرست از سوی انسان و روی آوردن به گناه، شیطان دست به کار می‌شود و کارهای آنان را در چشمشان می‌آراید و زیبا جلوه می‌دهد. بی‌گمان در چنین حالتی، انگیزه‌ای برای تصحیح رفتار و اخلاق از سوی فرد یا جامعه باقی نخواهد ماند و گمراهی‌ها افزایش پیدا خواهد کرد.

سنت کاهش نعمت‌های مادی

متون دینی از آن حکایت دارند که تأثیر اندیشه، اخلاق و رفتار ناسالم بر ابعاد جامعه در جهت کاهش نعمت‌های مادی می‌باشد؛ برای نمونه:

الف) قرآن کریم در برابر ایمان، از عامل کفر و نقض آن نام می‌برد و تکذیب آیات الهی را عامل نزول عذاب می‌داند (آل عمران (۳)، ۱۷۸؛ اعراف (۷)، ۱۸۲). اگرچه مصداق اتم این عذاب و گرفتن گریبان در آخرت خواهد بود، منافاتی ندارد که بخشی از آن در همین دنیا تحقق پذیرد و جوامعی را به لحاظ برخورداری اکثریت افراد آن از شرایط استدرراج دربرگیرد و می‌تواند افزون بر بعد معنوی، شامل بعد طبیعی، مانند نزول قحطی و... نیز شود.

ب) بر اساس آموزه‌های قرآنی (اسراء (۱۷)، ۳۱؛ هود (۱۱)، ۶)، خصایص و رذایل اخلاقی همچون حرص، آزمندی، عدم صرفه‌جویی و قناعت و ... و به تبع آن رفتار سوء انسان‌هاست که عاملی مؤثر در ایجاد محدودیت منابع و تنازع به شمار می‌آید. لذا برای مبارزه با رنج، فقر، کمبودها و ناامنی‌ها، افزون بر بهره‌گیری از عوامل مادی، باید در تقویت «تقوا» و فضیلت‌های اخلاقی کوشا بود.

ج) آیاتی در قرآن وجود دارد که انقطاع نعمت‌ها و ظهور فساد و بلا را در میان انسان‌ها و جوامع، معلول رفتار سوء آنها می‌داند (روم (۳۰)، ۴۱؛ شوری (۴۲)، ۳۰؛ بقره (۲)، ۲۰۶-۲۰۵؛ انعام (۶)، ۶). در روایات نیز تصریح شده است که ارتکاب گناه نقشی اساسی در

۱. «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ».

بلاهای نوظهور دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷۵). سبک شمردن نماز برکت را از عمر و رزق می‌گیرد (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق، ص ۲۲). قضا شدن نماز عشا و صبح از جمله عواملی است که نصیب و سهمیه انسان را از رزق الهی کم می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۸۱). عدم پرداخت زکات، عاملی برای مرگ چهارپایان (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۰) و بهره نبردن از برکات زمین است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۰۵). احسان و نیکی یا ظلم به خود و دیگران، مانند یاری مظلوم (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۲۷۱)، عدم غفلت از همسایگان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۷)، احسان به خویشاوندان و صلح رحم (همان، ج ۲، ص ۱۵۱)، احسان به پدر و مادر (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۲۵)، صدقه و انفاق (سبأ، ۳۴)، ۳۹؛ بقره (۲)، ۲۶۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳-۲)، رعایت عدل (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۶۶) و پرهیز از ارتکاب ظلم سیاسی، قضایی (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۲۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۸۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۹ و ۴۴۸) و مالی، مانند اکل سحت (خوردن حرام) (مائده (۵)، ۶۳)، احتکار (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۶۱)، کم‌فروشی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۳)، رشوه‌خواری (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۷۱۱)، غش در معامله (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۵۱)، دزدی (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۳۹۷)، خوردن حق مردم (همو، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۵)، یتیم و ضعفا (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۸۲، ج ۱۷، ص ۲۴۷) از اسباب جلوگیری از قحطی، حبس باران، خشکسالی، کاهش رزق و روزی، کاهش عمر و ابتلا به بلاها به شمار می‌آید. رباخواری نقش مهمی در زدودن برکت دارد و از عوامل ترک تجارت و تلف اموال (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۱۱۷-۱۲۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۷۹) شمرده می‌شود. در مقابل آثاری که برای ازدواج ذکر شد، برای زنا و شیوع آن، آثار متعددی مانند مرگ ناگهانی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۴)، کاهش عمر، از بین رفتن برکت و ابتلا به بلای فقر (همان، ج ۵، ص ۵۴۲)، زلزله (همان، ج ۲، ص ۴۴۸)، مرگ زودرس، طاعون و مرض‌های بی‌پیشینه (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۰۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۳) برشمرده‌اند. فساد و خوشگذرانی از اسباب هلاک جوامع است (اسراء (۱۷)، ۱۶). گفتار گناه‌آلود، زشت و از جمله غنا، از اسباب حبس باران و خشکسالی، فقر و فنای زودرس دانسته شده است (مائده (۵)، ۶۳؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۴۰۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۳۶، ج ۶، ص ۴۳۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۸۲؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۴). در مقابل شکر نعمت، ناسپاسی که از مصادیق آن، اسراف و تبذیر است، زوال نعمت را در پی دارد (ابراهیم (۱۴)، ۷؛

نحل (۱۶)، ۱۱۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲۲؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۳).

تذکر این نکته لازم است که در تبیین چگونگی تأثیر عوامل فرامادی در آنچه مربوط به ازدیاد یا کاهش نعمت‌های مادی است، باید مبنایی را پذیرفت که از توان لازم برای توجیه این دسته از آیات و روایات برخوردار باشد. نگارنده در جای خود توضیح داده است که علل معنوی در طول علل مادی‌اند، نه در عرض آن؛ یعنی این علل از طریق علل مادی عمل می‌کنند و آنها را به خدمت می‌گیرند، نه اینکه خود مستقل و به صورت مباشر آثار یادشده را موجب شوند. به عبارت دیگر، اسباب معنوی *علة‌العلل* و علت باواسطه‌اند، نه اینکه علت قریب و مباشر باشند.

شکست دشمنان و نافرمانان

لازمه پیروزی حق در عالم آن است که خداوند از یک سو وسیله حمایت و کمک به مؤمنان را فراهم سازد و از سوی دیگر، وسیله شکست دشمنان و اهل باطل را فراهم آورد تا در نبرد با مؤمنان، پیروز میدان نباشند و نومی‌دی بر مؤمنان و موحدان غالب نشود. در برخی از آیات به عوامل این شکست اشاره شده است؛ از عوامل درونی و باطنی، مانند الفای رعب و ترس در قلوب کافران و مشرکان، انزال سکینه و آرامش بر مؤمنان، و کم نشان دادن هر یک از طرفین در چشم دیگری گرفته، تا عوامل خارجی طبیعی، مانند باد و باران و عوامل بیرونی فوق طبیعی، مانند لشکریان نادیدنی و فرشتگان (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۵۱-۴۵۳). در هر حال، آیات متعددی متعرض این سنت الهی شده‌اند (فتح ۴۸)، ۴ و ۷ و ۲۲ و ۲۳؛ صف (۶۱)، ۱۴؛ مدثر (۷۴)، ۳۱؛ اسراء (۱۷)، ۴-۵). مرور این آیات افزون بر آنکه رخدادهای اقوام گذشته را به تصویر می‌کشد، جهت‌گیری پیشگیرانه نیز برای کسانی دارد که احوالات گذشتگان را می‌بینند. این جهت‌گیری پیشگیرانه در مضمون آیتی که سخن از عبرت‌آموزی به میان آورده‌اند، وجود دارد.

براین‌اساس، آنچه تا کنون درباره پیروزی مؤمنان بر دشمنانشان گفتیم، مشروط به ایمان و اطاعت از فرامین الهی است؛ وگرنه در صورت نافرمانی، سنت دیگری جانشین سنت پیشین می‌شود. شاهد این گفته، جریان شکست مسلمانان در جنگ احد است که بر اساس سنت‌های الهی و نظام علی و معلولی بوده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۵۹).

تسلط مجرمان و مترفان

مسلط شدن گناهکاران و خوش‌گذرانان بر امور جامعه نیز یکی دیگر از سنت‌های الهی

است که بر جوامع گناهکار و در مسیر باطل جریان می‌یابد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيُنْكَرُوا فِيهَا وَ مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ﴾ (انعام، ۶)، (۱۲۳).

مرور آیات الهی (اسراء (۱۷)، ۱۶) بیانگر آن است که تسلط مجرمان و مترفان، سبب رواج کامل فسق و فجور در جامعه می‌شود و همین زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا سنت دیگری (استیصال) جریان یابد که هلاکت کلی و ریشه‌کن شدن اهل باطل را در پی دارد.

سنت استیصال

وقتی اهل باطل کاملاً در باطل و گمراهی خود غرق شدند و بر آن اصرار ورزیدند و حکمت بالغه الهی بیش از این مقتضی امهال آنان و تأخیر عقوبت و عذاب‌شان نباشد، سنت استیصال گریبان آنان را خواهد گرفت و نابودشان می‌کند.^۱ شواهدی از قرآن می‌توان ارائه کرد که عذاب استیصال هرگز اهل حق را دربر نمی‌گیرد. براین اساس، این سنت متفاوت خواهد بود از سنت ابتلا به مصایب موضعی، که نوعاً وقتی بر جامعه‌ای نازل می‌شود، به دلیل آزمایش اهل حق، دامنگیر این افراد معدود نیز خواهد شد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۵۴-۴۵۵).

ابتلا به سختی و مصیبت

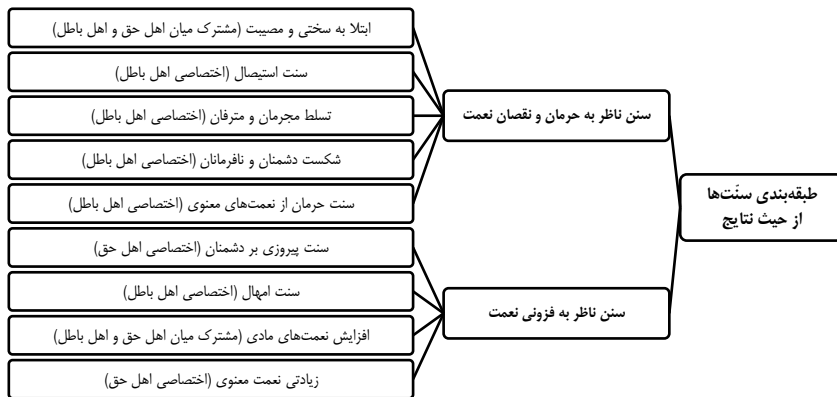
از سنت‌های الهی که شامل اهل باطل و حق می‌شود، سنت ابتلا به مصیبت و سختی است. این سنت از قوانینی است که مطلق و مشروط آن تصور دارد؛ یعنی هم می‌توان گفت سنت ابتلا به سختی‌ها (بأساء و ضراء) از سنت‌های الهی برای آزمایش امت‌هاست (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۹۹) که به رفتار انسان‌ها وابسته نیست، و هم برخی از ابتلائات را می‌توان از ناحیه رفتار آدمی دانست. برای نمونه، آیاتی بر این قانون تخلف‌ناپذیر گواه است که به سزای رفتار کفرآمیز، مصیبت‌هایی دامنگیر آنان می‌شود (رعد (۱۳)، ۳۱؛ فاطر (۳۵)، ۴۳).

۱. در بسیاری از آیات از آدمیان خواسته شده است که در زمین سیر کنند و فرجام کارهای اهل باطل را نیک بنگرند؛ از جمله: اعراف (۷)، ۸۴ و ۸۶ و ۱۰۳؛ یونس (۱۰)، ۳۹؛ یوسف (۱۰)، ۱۰۹؛ نمل (۲۷)، ۱۴ و ۵۱ و ۶۹ و ... همچنین در بسیاری دیگر از آیات از براندازی جوامع گناهکار و ستمکار گذشته سخن رفته است؛ مانند: انفال (۸)، ۵۴؛ اسراء (۱۷)، ۱۷؛ کهف (۱۸)، ۵۹ و ... قرآن می‌فرماید: ﴿أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِمَّنْ فَتَرْنَا فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ جَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَا هُم بِذُنُوبِهِمْ وَ أُنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَوْمًا آخَرِينَ﴾ (انعام، ۶)، (۶).

بی‌گمان این سختی و مصیبت برای آن است که زمینه بازگشت اهل باطل به مسیر حق فراهم گردد و جنبه تأدیبی و تنبیهی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۴۵۳)؛ اما از آموزه‌های دینی استفاده می‌شود انسان و جوامع مؤمنی که از آنها رفتارهای صالح سر زده می‌شود نیز به بلاهای طبیعی مبتلا خواهند شد (شعیری، بی‌تا، ص ۱۱۳). از این رو، اگرچه بر اساس برخی روایات، جهان می‌تواند در تسخیر مؤمن قرار گیرد (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۱۴۱)، ولی به هر مقدار ایمان افزایش یابد، نزول بلا بر مؤمن نیز تشدید می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۵۳-۲۵۴). این گونه از بلاها اگرچه دایرمدار ایمان و رفتار مؤمنانه است و رفتار سوء در آن دخالتی ندارد، در راستای حکمت بالغه الهی به منظور شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌ها (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۹۳۰-۹۳۲؛ ج ۲۷، ص ۴۸۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۸۷-۱۸۹) و از عوامل پیشرفت تلقی می‌شود.

نهایت اینکه، هریک از شاخص‌های توسعه پایدار در قالب یکی از سنت‌های گفته شده، قابل پیاده‌سازی است. با توضیحات داده شده برخی از سنت‌ها مختص جوامعی است که در مسیر حق باشند؛ مانند افزایش نعمت معنوی و پیروزی بر دشمنان، و برخی به جوامعی اختصاص دارد که در این مسیر نیستند؛ مانند حرمان از نعمت معنوی و سنت امهال و تسلط مجرمان و مترفان و استیصال، و برخی نیز برای هر دو طایفه است؛ مانند سنت ابتلا به سختی و مصیبت و سنت افزایش نعمت‌های مادی که در هر طایفه‌ای به گونه‌ای خاص است. لذا به منظور تحقق پیشرفت مدنظر اسلام، یعنی پیشرفت همه‌جانبه، باید سنت‌های یادشده لحاظ شوند و با تحقق شرط، گامی در جهت حصول نتایج برداشت.

نمودار زیر می‌تواند خلاصه‌ای از مطالب این بخش را گزارش کند:



جمع‌بندی و دستاورد

با نگاهی به متون دینی، می‌توان از جهات مختلف، مانند عامل، نتیجه و میزان تأثیر شرط،^۱ تقسیماتی را برای سنت‌ها قایل شد.

به لحاظ عامل تأثیر، می‌توان بررسی کرد که افزون بر عوامل مادی، چه عوامل دیگری که از آن به عوامل معنوی تعبیر آورده می‌شود، در حصول نتیجه دخیل‌اند.

به لحاظ نتیجه، می‌توان سنت‌ها را به مطلق - که به فعل و رفتار انسان بستگی ندارد - و مشروط تقسیم کرد. سنت‌های مشروط خود می‌توانند تقسیماتی بپذیرند؛ زیرا به لحاظ دایره شمول، گاه مشترک و زمانی اختصاصی هستند یا برخی پایه و برخی دیگر پیروند. از سنت‌های مطلق الهی، حرکت جامعه بشری به سوی تحول و دگرگونی بزرگی است که خداوند متعال بدان وعده داده است. انسان‌ها و جوامع اگرچه می‌توانند با این حرکت رقابت کنند یا در این مسیر قرار نگیرند و از این نظر از سرعت آن بکاهند، اما این تحول عظیم (شکل‌گیری جامعه مطلوب اسلامی یا پیشرفت همه‌جانبه) اتفاق خواهد افتاد.

در این مسیر، سنت‌های مشروط متعددی وجود دارد؛ یعنی آن تحول گفته‌شده خود تابع قواعد و قوانین خاصی است و پیشرفت یا حرکت به سمت آرمان‌ها در بستر این سنت‌ها و قوانین علمی و علی اجتماعی صورت می‌پذیرد. بسیاری از این قوانین از طریق عقل دست‌یافتنی نیست و باید به سراغ آیات و روایات رفت.

انسان‌های آگاه باید در این مسیر حاضر شوند و مبتنی بر چارچوب‌ها و اصول و قواعد و حیانی، قواعد زندگی دنیوی را تنظیم، نظارت و اجرا کنند تا سنت‌های الهی جامعه عمل به خود بپوشاند و جامعه در مسیر پیشرفت قرار گیرد.

عدم تبعیت از سنت‌های الهی و قواعد و حیانی یا مبتنی بر وحی، خودبه‌خود جامعه را از مسیر دستیابی به پیشرفت همه‌جانبه و فراگیر دور می‌سازد. این پیشرفت در گرو دستیابی به تمام شاخص‌های توسعه مادی و توجه به محتوای معنوی و توحیدی است که ذات و شاکله اصلی اسلام را تشکیل می‌دهد.

۱. از نظر میزان تأثیر، که محور بحث این نوشتار نیست، ممکن است در سنت‌های مشروط، یک شرط به‌تنهایی کافی باشد و در برخی موارد لازم باشد چندین شرط در کنار هم قرار گیرند تا سستی جریان یابد.

بررسی آیات و روایات از جهت عامل و نتیجه، دستاوردهای زیر را به همراه داشته است:

(۱) در تحقق کامل‌ترین شکل توسعه که افزون بر توسعه اقتصادی، بر توسعه زیست‌محیطی، اجتماعی، فرهنگی و بر عدالت درون‌نسلی و بین‌نسلی تأکید می‌شود، عوامل معنوی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. این عوامل تأثیر شگرفی در ابعاد چهارگانه جامعه دارند و پیشرفت همه‌جانبه را موجب می‌شوند.

(۲) در تحقق پیشرفت همه‌جانبه، عواملی غیر از عوامل مادی نقش دارند. این عوامل را می‌توان در دو دسته انسانی و غیرانسانی طبقه‌بندی کرد. عوامل انسانی به عوامل بینشی، منشی و کنشی تقسیم می‌شوند.

(۳) اطلاعات ارائه‌شده از سوی آیات و روایات در ناحیه عامل و نتیجه، گاهی کلان و زمانی خرد و جزئی است. در متون دینی، رعایت تقوا، داشتن ایمان، رعایت اصول اخلاقی، عمل به دستورات کتاب آسمانی، انجام فروع دین و انجام اعمال صالح (به عنوان شرط در یک گزاره قانونی) از عوامل مهم بهبود شاخص‌های توسعه پایدار، مانند ارتقای معنویت، طولانی شدن عمر همراه با تندرستی و سلامت، افزایش سطح دانش و سطح معاش آبرومند و ... دانسته شده است.

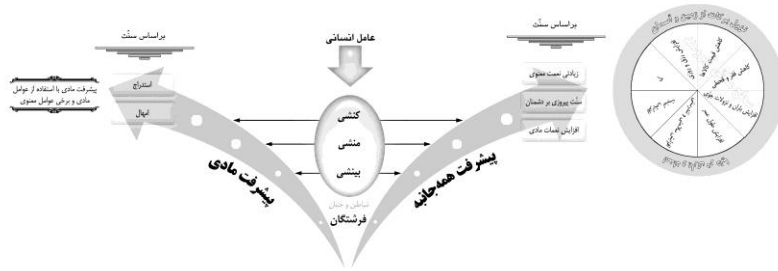
(۴) نتایج و آثار اجتماعی مطرح‌شده در متون دینی را می‌توان در قالب دو سنت پایه و کلان ناظر به افزایش نعمت‌ها و کاهش نعمت‌ها دسته‌بندی کرد.

(۵) سنت افزایش نعمت معنوی، سنت امهال، سنت افزایش نعمت‌های مادی، سنت املاء و استدراج و پیروزی بر دشمنان در گروه اول، و سنت حرمان از نعمت‌های معنوی و افزایش گمراهی، شکست دشمنان و نافرمانان، تسلط مجرمان و مترفان، سنت استیصال و سنت ابتلا به سختی و مصیبت در گروه دوم جای می‌گیرند.

(۶) از سنت‌های گفته‌شده، برخی به جوامعی اختصاص دارند که در مسیر حق باشند؛ مانند افزایش نعمت معنوی و پیروزی بر دشمنان، و برخی مختص به جوامعی‌اند که در این مسیر نیستند؛ مانند حرمان از نعمت معنوی و سنت امهال و تسلط مجرمان و مترفان و استیصال، و برخی از سنت‌ها برای هر دو گروه جریان پیدا می‌کنند؛ مانند سنت ابتلا به سختی و مصیبت و سنت افزایش نعمت‌های مادی. این سنت‌ها اگرچه برای هر دو گروه به صورت مشترک جریان می‌یابند، ماهیت متفاوتی دارند. مثلاً افزایش نعمت‌های مادی

برای گروهی که در مسیر حق نیستند، به منظور افزایش عذاب است و از این نظر، با سنت افزایش نعمت‌های مادی که درباره مؤمنان جریان می‌یابد، ماهیتاً متفاوت خواهد بود.

در هر حال، نمودار زیر گویای بخشی از مطالب پیش گفته است:



کتابنامه

* قرآن مجید.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع (ج ۱). قم: کتابفروشی داوری.
۲. _____ (۱۳۷۶). الأمالی. چاپ ششم. تهران: کتابچی.
۳. _____ (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴. _____ (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۲-۴). چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۵. _____ (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. چاپ دوم. قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۶. _____ (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار (ج ۱). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۶ق). فلاح السائل و نجاح المسائل. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۹. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق). كشف الغمة في معرفة الأئمة (ج ۲). تبریز: بنی هاشمی.
۱۰. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). المحاسن (ج ۱). چاپ دوم. قم: دار الکتب الإسلامية.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ). چاپ چهارم. تهران: دنیای دانش.
۱۲. ترخان، قاسم (۱۳۹۳). «مبانی کلامی و عرصه‌های پیشرفت». قبسات، دوره ۱۹، شماره ۷۲، ص ۱۵۹-۱۸۸.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات.
۱۴. جعفر بن محمد ﷺ، امام ششم (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعة. بیروت: اعلمی.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (ج ۶، ۱۴ و ۱۶). قم: مؤسسه آل‌البتیت ﷺ لاحیاء التراث.

۱۶. شریف رضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغة (لصباحی صالح). قم: هجرت.
۱۷. شعیری، محمدبن محمد (بی تا). جامع الأخبار. نجف: مطبعة حیدریة.
۱۸. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۶۹). سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن. ترجمه حسین منوچهری. تهران: مرکز فرهنگی رجاء.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲-۱۳، ۱۵ و ۲۰). چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طبرسی، احمدبن علی (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج (ج ۱). محقق و مصحح محمدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
۲۱. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام (ج ۶). تحقیق خراسان. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۲. قطب‌الدین راوندی، سعیدبن هبة‌الله (۱۴۰۷ق). الدعوات (لراوندي) / سلوة الحزین (ج ۱) قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۲۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۲-۵، ۷). چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. چاپ پنجم. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۲۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۵). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). مجموعه آثار شهید مطهری (ج ۲۷). چاپ چهارم، تهران: صدرا.
۲۷. _____ (۱۳۸۴). مجموعه آثار شهید مطهری (ج ۱). چاپ دوازدهم. تهران: صدرا.
۲۸. _____ (۱۳۸۳). مجموعه آثار شهید مطهری (ج ۲). چاپ یازدهم، تهران: صدرا.
۲۹. _____ (۱۳۸۳). مجموعه آثار شهید مطهری (ج ۶). چاپ دهم، تهران: صدرا.
۳۰. معین، محمد (۱۳۷۶). فرهنگ فارسی معین (ج ۱). تهران: امیرکبیر.
۳۱. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق). الأمالی. قم: کنگره جهانی شیخ مفید.

۳۲. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۹). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی‌سازی علوم انسانی. کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. قم: مرکز ایرانی الگوی اسلامی پیشرفت.